

محمد غفوری نژاد

معرفی و بررسی المستدرک الثانی لوسائل الشیعة

(احادیث الائمة الطاهرين بأسانید العامة و
المخالفین)

۲۲۰-۲۱۱

چکیده: یکی از راههای بازیابی احادیث امامان شیعه (ع)، جستجو در منابع دیگر مذاهب اسلامی از جمله اهل سنت و زیدیه است. بازیابی این احادیث در منابع این مذاهب فوائد علمی متعددی دارد که از آن جمله می توان به شناخت بخشی از تراث حدیثی امامان (ع) که به مصادر امامیه راه نیافته یا پالایش شده است، رمزگشایی از تصحیفات یا تحریفات متنی و سندی، شناخت طرق موازی نقل حدیث و... اشاره کرد. یکی از تلاش های صورت یافته در راه وصول به این اهداف کتاب المستدرک الثانی لوسائل الشیعه با عنوان فرعی احادیث الأئمة الطاهرين باسانید العامه و المخالفین گردآوری شیخ محمود قانصوشهابی عاملی در ۲۱ مجلد است. مولف، صدها منبع حدیثی و غیر حدیثی غیر امامی را جستجو کرده و حدود ۲۵۰۰۰ حدیث از ائمه معصومین (ع)، اعم از احادیثی که آن حضرات در طریق آن قرار داشته یا انشاء آن بزرگواران بوده، را همراه با تخریجات گاه متعدد از منابع شیعه و اهل سنت گرد آورده است. نویسنده در نوشتار حاضر می کوشد پس از معرفی اثربراساس مقدمه مولف، ویژگی های کتاب را برشمرده و به برخی ملاحظات انتقادی پیرامون کتاب بپردازد.

— A Report of *al-Muṣṭadrak os-Sāni Levasāel al-Shia*

By: Muhammad Ghafuri Nejad

Abstract: One of the ways to find the Shiite Imams' hadiths is to seek other sources of Islamic denominations including Sunnis and Zaidiyah. Finding these hadiths in the sources of these denominations has many scientific benefits such as finding a part of Imams' hadith heritage which is not in Imamiya sources or is refined, decrypting the mispronunciations and distortions of the texts and document, discovering the parallel ways of narrating hadith, and... One of the efforts made to achieve these goals is the compilation of *al-Muṣṭadrak os-Sāni Levasāel al-Shia*, whose secondary title is *Ahadith ol-Aemat ol-Tāhirin Be Asānīd ol-Āma wa al-Mokhālīfīn*, by Sheikh Mahmud Qānsoo Shahābi Āmeli. The book has 21 volumes, and its writer searched hundreds of sources both the ones which are exclusively for hadiths and the ones which are not. He has collected around 25000 hadiths including the ones which are in a way narrated by Imams or written by them. The author of the present paper is going to introduce this work based on its writer's introduction to the book, and then discuss its characteristics. He also mentions some of the critical considerations regarding this book.

Key words: Shiite Imams' hadiths, Shiite hadith, Islamic denominations, the Sunni sources, the Zaidiyah sources, *al-Muṣṭadrak os-Sāni Levasāel al-Shia*, *Ahadith ol-Aemat ol-Tāhirin Be Asānīd ol-Āma wa al-Mokhālīfīn*, Mahmud Qānsoo Shahābi Āmeli, book report, book review.

کلیدواژه: احادیث امامان شیعه (ع)، حدیث شیعه، مذاهب اسلامی، منابع اهل سنت، منابع زیدیه، کتاب المستدرک الثانی لوسائل الشیعه، احادیث الأئمة الطاهرين باسانید العامه و المخالفین، محمود قانصوشهابی عاملی، معرفی کتاب، نقد کتاب.

— تعریف و مرآة المستدرک الثانی لوسائل الشیعه

محمد غفوری نجاد

بمثل التنقیب فی مصادر المذاهب الإسلامیة المختلفة ومنها مصادر أهل السنة والزیدیة واحداً من طرق إعادة تجميع أحادیث أئمة الشیعة عليهم السلام. إن استخلاص هذه الأحادیث من منابع هذه المذاهب يحمل في طياته فوائد علمية متعددة، يمكن الإشارة إلى بعض منها، وهي: الاطلاع على قسم من التراث الحدیثی للأئمة عليهم السلام الذي لم يجد طريقه للتوثيق في مصادر الإمامیة أو وثقت مفرداته بصورة انتقائیة، توضیح التصحیفات والتحریفات المنتیبة والسندیة، التعرف على الطرق الموازیة لنقل الحدیث، وغيرها من الأمور الأخری.

ومن الجهود المبذولة على هذا الطريق هو كتاب المستدرک الثانی لوسائل الشیعة، والذي يحمل عنواناً ثانویاً هو أحادیث الأئمة الطاهرين باسانید العامة والمخالفین، من إعداد الشیخ محمود قانصوشهابی العاملي، و يبلغ عدد مجلداته ۲۱ مجلداً.

وقد طالع المؤلف مئات المصادر الحدیثیة و غیر الحدیثیة لدى غیر الإمامیة، و جمع منها ما يقارب ۲۵۰۰۰ حدیث عن الأئمة المعصومین عليهم السلام، سواء كان دورهم فيها هو الإنشاء أو الوجود في سلسلة السند، مع تخریج تلك الأحادیث و من مصادر شیعیة و سنیة متعددة في بعض الأحيان.

والمقال الحالي يسعى الكاتب فيه إلى التعریف بهذا الكتاب من خلال الاستعانة بما ورد في مقدمته، مع استعراض مميزات الكتاب، دون إغفال الإشارة إلى بعض الملاحظات النقدیة عنه.

المفردات الأساسیة: أحادیث أئمة الشیعة عليهم السلام، حدیث الشیعة، المذاهب الإسلامیة، مصادر أهل السنة، مصادر الزیدیة، كتاب المستدرک الثانی لوسائل الشیعة، أحادیث الأئمة الطاهرين باسانید العامة والمخالفین، محمود قانصوشهابی العاملي، تعریف الكتاب، نقد الكتاب.

معرفی و بررسی المستدرک الثانی لوسائل الشیعة

محمد غفوری نژاد

احادیث الائمة الطاهرين بأسانید
العامّة والمخالفين، گردآوری
شیخ محمود قانصو شهابی عاملی،
بیروت: دار و مکتبة انوار الولاية،
۲۰۱۷.

اشاره

بازیابی احادیث امامان شیعه (ع) در منابع دیگر مذاهب اسلامی همچون اهل سنت و زیدیه فواید علمی متعددی دارد که از آن جمله می‌توان به شناخت بخشی از تراث حدیثی امامان (ع) که به مصادر امامیه راه نیافته یا پالایش شده است، رمزگشایی از تصحیفات یا تحریفات متنی و سندی، شناخت طرق موازی نقل حدیث و... اشاره کرد. یکی از تلاش‌های صورت یافته در راه رسیدن به این اهداف کتاب المستدرک الثانی لوسائل الشیعة با عنوان فرعی احادیث الائمة الطاهرين بأسانید العامّة والمخالفين گردآوری شیخ محمود قانصو شهابی عاملی در ۲۱ مجلد است. در این نوشتار پس از معرفی اثر به برخی ملاحظات انتقادی خواهیم پرداخت که در تکمیل و تعالی کتاب در چاپ‌های بعدی مؤثر تواند بود.

درآمد

به برکت حضور پیامبر (ص) و امامان (ع) در طول دو و نیم قرن، میراث حدیث شیعه در مقایسه با دیگر مذاهب اسلامی بسی غنی‌تر و گران‌تر است. محدثان شیعه تحت تأثیر تعلیمات امامان خود از همان آغاز بر کتابت تعلیمات آن حضرات تحفظ داشتند و وظیفه خود را در انتقال میراث گران قدر آن بزرگواران ادا نمودند. مع الاسف به دلیل ناملایمات روزگار و اینکه فرقه امامیه از همان آغاز و در طول قرن‌ها عمدتاً به عنوان یک اقلیت کم‌قدرت در جهان اسلام روزگار می‌گذرانده و از امکانات مادی و پشتیبانی معنوی حکومت‌ها، جز به صورت گذرا، برخوردار نبوده، این موراث ارزشمند از نظر کمی و کیفی با نواقصی به دست ما رسیده است. دشمنی و کینه‌توزی و جهل و تعصب مخالفان نیز گاه در قالب کتابسوزی‌های عظیم جلوه‌گر می‌شده و موجبات نابودی بخش قابل توجهی از این اندوخته‌های ارزشمند را فراهم می‌کرده است. از این رو بخشی از این تراث از طریق سنت امامی به نسل‌های پسین رسیده و دست نسل کنونی از آن کوتاه مانده است.

یکی از راه‌های بازیابی این میراث کهن، جستجو در منابع دیگر مذاهب اسلامی از جمله اهل سنت و زیدیه است. بازیابی این احادیث در منابع این مذاهب فواید علمی متعددی دارد که از آن جمله می‌توان به شناخت بخشی از تراث حدیثی امامان (ع) که به مصادر امامیه راه نیافته یا پالایش شده است، رمزگشایی از تصحیفات یا تحریفات متنی و سندی، شناخت طرق موازی نقل حدیث، رصد مواضع شهرت روایی، دست‌یافتن به موارد تواتر معنوی یا اجمالی، شناخت مواضع خلاف و وفاق فرق در دوران نخستین، شناخت مواضع تقیه از طریق مقارنه دو میراث، فواید مصدرشناختی، کمک به بازسازی مصادر حدیثی نخستین، فواید رجالی و طبقه‌شناختی، کشف ارتباطات حدیثی میان اصحاب با دانشمندان دیگر مذاهب، فواید تراجمی و تاریخی و... اشاره کرد.

یکی از تلاش‌های صورت یافته در راه وصول به این اهداف کتاب المستدرک الثانی لوسائل الشیعة با عنوان

۱. سنت اسماعیلی از نظر میراث حدیثی چندان غنی نیست و خوشبختانه برخی از آثار مهم آنان در این عرصه از دیرباز مورد عنایت دانشمندان امامی بوده است.

فرعی احادیث الاثمة الطاهرين بأسانید العامة و المخالفین گردآوری شیخ محمود قانصوشهابی عاملی در ۲۱ مجلد است. مؤلف در تلاشی تحسین برانگیز صدها منبع حدیثی و غیر حدیثی غیرامامی را جستجو کرده و حدود ۲۵۰۰۰ حدیث از ائمه معصومین (ع) را، اعم از احادیثی که آن حضرات در طریق آن قرار داشته یا انشای آن بزرگواران بوده، همراه با تخریجات گاه متعدد از منابع شیعه و اهل سنت گردآورده است. در این نوشتار پس از معرفی اثر بر اساس مقدمه مؤلف، ویژگی های کتاب را باز خواهیم گفت و در نهایت به برخی ملاحظات انتقادی خواهیم پرداخت که در تکمیل و تعالی کتاب در چاپ های بعدی مؤثر تواند بود.

کتاب به روایت مؤلف

مؤلف در مقدمه در مقام معرفی پیشینه تحقیق خود، به تلاشی از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برای بازیابی احادیث ائمه (ع) در منابع اهل سنت و مشارکت خود در آن اشاره می کند که تنها به انتشار یک مجلد مشتمل بر کتاب طهارت و بخشی از کتاب جنائز به اهتمام مرحوم آیت الله سید مهدی روحانی انجامید.^۳ وی در ادامه به کثرت منابع چاپی و غیر چاپی مورد استفاده خود از جمله منابع موجود در نرم افزارهای مکتبه اهل البیت، المکتبه الشاملة، الالفیه و کتابخانه های الکترونیک همچون مکتبه موسوعة الحدیث و مکتبه المشکاة اشاره کرده است. مؤلف از شیوه خود برای استخراج احادیث مورد نظرش سخن نگفته است که مثلاً از شیوه جستجوی کامپیوتری کلیدواژه های خاص بهره برده یا روش جستجوی دستی را در پیش گرفته یا تلفیقی از دو روش را در دستور کار خود داشته است؟ از آنجا که جستجوی دستی در چنین پروژه ای که ظاهراً به صورت فردی انجام یافته، بسیار دشوار و زمان بر است، وی باید از روش نخست یا روش تلفیقی بهره برده باشد.

مؤلف در ادامه به برخی خط مشی های خود در تدوین کتاب اشاره کرده است؛ از جمله اینکه بر نقل بلاواسطه از منابع حریص بوده و به نقل منابع واسطه جز با بیان آن اعتماد نکرده و اینکه بر ذکر تمامی اسانید اخباری که بدان دست می یافته مواظبت داشته است. (همین کتاب، ج ۱، ص ۶) نیز به این نکته اشاره کرده است که در مواردی که احادیث نقل به معنی شده اند، اختلافات لفظی اندک و غیرمخل به معنی را در تخریج احادیث به حساب نیاورده و متونی با این اوصاف را حدیث واحد قلمداد کرده است، اما در مواردی که احتمال تأثیر اختلاف الفاظ در معنی را می داده عین لفظ را ذکر کرده است. خواهیم گفت که بر اساس مطالعه اجمالی ما مؤلف در برخی مواضع به این سخن خود ملتزم نبوده و احیاناً مسامحتی به خرج داده است. اهتمام مؤلف در درجه نخست بر آن بوده است که روایات مسند ائمه (ع) را استخراج و جمع آوری نماید و به جمع روایات مرسل آنان توجه چندانی نداشته است، هر چند بخشی از این مراسیل که به آن برمی خورده را در کتاب خود آورده است.

مؤلف در ادامه مقدمه خود به اعراض فقهای طائفه از منقولات اهل سنت از ائمه (ع) اشاره کرده و به تعلیل آن پرداخته است. وی ناگاهاهی فقها از این میراث حدیثی، اعتقاد آنان به اینکه سنتیان به انفراد مطلبی از ائمه (ع) نقل نکرده اند که نزد اصحاب نبوده است و عقیده به عدم حجیت منقولات آنان را از جمله این عوامل شمرده و آن را تخطئه کرده و به ذکر شواهدی بر حجیت منقولات مورد اشاره پرداخته است. از جمله این شواهد روایتی از امام صادق (ع) است که فقها را در شرایط عدم وجدان نصی از امامان (ع) به تمسک به منقولات سنتیان از امیرالمؤمنین (ع) امر می کند. افزون بر این از نظراو بعید نیست تعداد قابل توجهی از این احادیث حائز شرایط حجیت باشد. وی در همین راستا به احادیث مشهوری اشاره می کند

۲. وی در موضعی تعداد این منابع را بیش از چهار هزار منبع تخمین زده که رقمی غریب است. (نک: همین کتاب، ج ۱، ص ۶)

۳. مهدی الحسینی الروحانی؛ احادیث اهل البیت (علیهم السلام) عن طرق اهل السنة؛ قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۳۷۹/۱۴۲۱.

که جماعتی از محدثان سنی از برخی امامان (ع) نقل کرده‌اند که این شهرت موجب اطمینان به صدور آن می‌شود. حدیث طولانی امام صادق (ع) در باب حج از آن جمله است. نیز احادیثی که محدثان مشهور و ائمه شأن از اهل سنت به نقل آن دست یازیده‌اند در این عداد قابل ذکر است. مؤلف به طور خاص به منقولات شافعی از ابراهیم بن محمد که نجاشی وی را توثیق کرده است از امام صادق (ع)، مرویات اسحاق بن راهویه و ابن ابی شیبه از حاتم بن اسماعیل و مرویات صنعانی از سفیان ثوری از آن حضرت اشاره کرده است. وی بر آن است که هر چند بسیاری از روایات اهل سنت در منابع امامی توثیق نشده‌اند، ولی می‌توان آنان را در عداد ثقات به شمار آورد. مؤلف در همین موضع به تألیفی از خود در باب روایات مهمله اشاره می‌کند که در آن به این طایفه از روایات پرداخته است.

وی در پایان مقدمه نتیجه می‌گیرد که فقیهان از مراجعه به کتاب او بی‌نیاز نیستند؛ زیرا در اجتهاد، فحص کامل از احادیث لازم است و کتاب او حاوی احادیث فراوانی از ائمه (ع) است که اصحاب به آن واقعی ننهادند.

کتاب به روایت ما

بی‌گمان تدوین کتابی با این حجم به صورت فردی همتی والا می‌طلبد که مؤلف محترم به گونه‌ای ستودنی آن را به نمایش گذاشته و تلاش کرده تا یک خلأ علمی مهم را پر کند. روش او در نقل احادیث از منابع بسان بسیاری از جوامع حدیثی دیگر، ذکر نام مؤلف منبع مورد استفاده در آغاز سند و بیان سند و متن اوست. نام منبع مورد استفاده گاه بعد از نام مؤلف در متن و گاه پس از پایان حدیث در پاورقی به میان آمده است. مطالعه اجمالی کتاب و مروری بر سابقه پژوهشی مؤلف^۴ نشان از تخصص نسبی او در موضوع دارد. کتاب جمع‌آوری صرف و خالی از اظهار نظر اجتهادی نیست و مؤلف در طوایب کتاب گاه نکاتی روش‌شناختی و فقه الحدیثی بیان کرده است. از آن جمله می‌توان به مطالبی که در آغاز ابواب التقیه بیان داشته اشاره کرد. وی در این بخش به بهانه اینکه روایاتی در فضایل خلفا از ائمه (ع) آورده می‌گوید که بعضی از این روایات موضوع، بعضی محرف و بعضی صحیح است و از روی تقیه یا به دلیل تعلیم تقیه به شیعیان صادر شده است. برای تشخیص این انواع سه‌گانه مؤلف ضوابطی به این شرح به دست می‌دهد: اگر اخبار فضایل خلفا کثرت تخریح نداشته باشد، موضوع است؛ زیرا اگر چنین اخباری واقعاً از ائمه (ع) صادر شده بود به طور طبیعی باید در میان اهل سنت شیوع می‌یافت و به شهرت می‌رسید. پس اگر به این درجه نرسید کشف می‌شود که حاصل وهم یا وضع برخی روایات متأخر است که احادیثشان به خاطر بدنامی یا تأخر زمانی از عصر روایات نخستین مورد قبول قرار نگرفته است، اما اگر حدیث کثیر التخریح بود، اصیل است. در این فرض اگر اصل آن به یکی از رجال حدیث بازگردد، از طریق مقایسه حدیث با احادیث مشابه می‌توان تحریف در آن را آفتابی کرد و نقاب از چهره حقیقی آن گشود و اگر اصل حدیث به یکی از ائمه (ع) بازگردد، کشف می‌شود که خبر صحیح بوده و سبب صحیحی در صدور آن وجود داشته است. (همین کتاب، ج ۱۱، ص ۲۷)

برای نمونه‌ای از توضیحات فقه الحدیثی مؤلف می‌توان به اظهار نظر او در مورد حدیثی از ابن عساکر که به صورت مسند از امام باقر (ع) در همین ابواب تقیه نقل شده اشاره کرد. ابن عساکر از آن حضرت نقل کرده است:

۴. شایان ذکر است این حدیث را امام صادق (ع) از پدر بزرگوارشان امام باقر (ع) از جابر از رسول خدا (ص) نقل فرموده‌اند. متنی از آن را ببینید در: صحیح مسلم؛ به تحقیق محمد فؤاد عبد الباقی؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲، ص ۸۸۶.

۵. در فهرست آثار مؤلف که در انتهای مجلدات کتاب تکرار شده، عناوینی همچون فضائل علی (ع) با سائید أهل السنة (۲۱ مجلد)، الروایات المشتركة بین الشیعة و السنة فی الصوم، الروایات المشتركة بین الشیعة و السنة فی الجمعة، الروایات المشتركة بین الشیعة و السنة فی الحج به چشم می‌خورد. گفتنی است سه عنوان اخیر با همکاری آیت الله محمدعلی تسخیری تدوین شده است.

چاپ بدان دست یافته است. مؤلف در این ملحق موضع منطقی این احادیث را با عباراتی همچون «زیاده بعد ح ۵» معین کرده و ابراز امیدواری کرده است که در چاپ‌های بعدی آن را به متن اصلی کتاب و در جایگاه مربوط بیفزاید.

در هر روی مؤلف، که سعی اش مشکور باد. در تدوین کتاب زحمات فراوانی را متحمل شده که قابل تقدیر است. نگارنده نه با هدف کاستن از ارزش اثر که برای رفع نواقص در چاپ‌های بعدی و توجه محققان به نقاط ضعفی که در این گونه آثار می‌تواند گریبانگیر آنان شود، برخی ملاحظات انتقادی را تقدیم می‌نماید.

ملاحظات انتقادی

۱-۴. نخستین نکته به نظام ارجاعات و منابع کتاب راجع است. کتاب از این حیث برخلاف شیوه علمی رایج تنظیم شده و از آشفتگی در نظام ارجاعات رنج می‌برد. برای نمونه مؤلف در مقدمه (ج ۱، ص ۸ و ۹) از نجاشی، شافعی، اسحاق بن راهویه و ابن ابی شیبه بدون ذکر آدرس نقل کرده است. در متن کتاب و به هنگام ذکر احادیث نیز گاه به منابع در متن کتاب قبل از ذکر حدیث و گاه در پاورقی اشاره شده است. احیاناً منابع مذکور در متن کتاب بدون شماره جلد و صفحه ذکر شده و مؤلف به ذکر شماره حدیث اکتفا کرده است. (نمونه را بنگرید در: ج ۱، ص ۳۴۳)

نکته بسیار مهم دیگر عدم معرفی منابع مورد استفاده در کتاب است. نگارنده هرچه در مقدمه و انتهای مجلدات کتاب فحوص کرد تا فهرست منابع کتاب را بیابد کم‌تریافت. در عوض فهرست تألیفات مؤلف در انتهای تقریباً همه مجلدات کتاب تکرار شده و صفحه‌ای را به خود اختصاص داده است. طبیعتاً معرفی منابع همراه با اطلاعات کتاب‌شناختی کامل در چنین تألیفی که هویت اساسی اش را گردآوری داده‌ها از منابع تشکیل می‌دهد، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. گو اینکه مؤلف خود در مقدمه کتاب معترف شده که احیاناً از چاپ‌های متعددی از برخی کتب بهره برده و گاه به علت طولانی شدن پروسه تألیف به خاطر نمی‌آورده که قبلاً کدام چاپ را دیده بوده است. (نک: همین کتاب، ج ۱، ص ۶) کاش مؤلف لااقل اطلاعات منبع‌شناختی همان چاپی را که در اختیار داشت و متذکر بود ثبت می‌کرد. نگارنده در مطالعه اجمالی خود در هیچ موضعی از مقدمه، پاورقی‌ها و ابتدا و انتهای مجلدات حتی یک مورد ذکر اطلاعات منبع‌شناختی در کتاب نیافت.

به علاوه ارائه فهرست منابع می‌توانست محققان را در اطلاع بر اینکه مؤلف چه منابعی را دیده و چه مقدار از مسیر را پیموده

أجمع بنو فاطمة علی أن یقولوا فی ابی بکرو عمر أحسن ما یکون من القول». مؤلف پس از نقل این حدیث گوید: «أقول: أحسن القول فی الأشیاء هو حقیقتها». (همین کتاب، ج ۱۱، ص ۱۳۵)

مؤلف بسان برخی از دیگر مصنفان جوامع حدیثی، برداشت خود از احادیث را در قالب عنوان باب عرضه کرده و نظر شخصی خود در دلالت احادیث را بدین سان ابراز نموده است. تقریباً همه عناوین ابواب در مجلدات ۲۱ گانه کتاب به عنوان نمونه قابل ذکر است. خواهیم گفت که در مواردی برداشت مؤلف دچار اشکال است.

به طور طبیعی مؤلف احیاناً با احادیثی مواجه شده است که به دلیل عدم تشخیص دقیق رجال سند و تردید در انطباق آن بر امام (ع)، در انتساب آن به امام تردید داشته است. از جمله در موضعی حدیثی را که سه حلقه آخر سند آن «یعقوب عن جعفر عن سعید بن جبیر» است آورده و تردید خود را در اینکه مراد از جعفر در این سند امام صادق (ع) است یا جعفر بن ابی مغیره که از روات سعید بن جبیر است و یعقوب هم از او نقل می‌کند اظهار داشته است. وی در همین موضع خاطر نشان ساخته که به خاطر همین تردید، بقیه روایاتی که جعفر از سعید نقل کرده است را وانهاده و در کتاب نیاورده است. (نک: همین کتاب، ج ۲۱، ۲۷۳)

نکته قابل ذکر دیگر آنکه مؤلف علاوه بر مصادر سنی بر مصادر زیدی نیز نظر داشته و در مواضع متعدد از برخی منابع زیدی بهره برده است. این در حالی است که عنوان فرعی کتاب احادیث الائمة الطاهرین بأسانید العامة و المخالفین است و مؤلف در مقدمه هیچ‌گونه اشاره‌ای به استفاده از منابع زیدی ندارد. از جمله منابع زیدی کتاب می‌توان به مناقب امیر المؤمنین (ع) محمد بن سلیمان کوفی (ف ۳۲۲)، تیسیر المطالب ابوطالب هارونی (ف ۴۲۴) و الأملی الخمیسیه یحیی بن حسین شجری (ف ۴۹۹) اشاره کرد. (برای نمونه‌هایی از نقل از این منابع به ترتیب نک: کتاب مورد بحث، ج ۲۱، ص ۴۷۵؛ ج ۲۰، ص ۷ و ج ۱۱ ص ۲۷؛ ج ۲۰، ص ۹) گفتنی است حجم فراوانی از احادیث ائمه اهل بیت (ع) در آثار مطبوع و مخطوط زیدی نقل شده است که شایسته اهتمام است. استخراج این میراث ارزشمند کاری گروهی می‌طلبد. نگارنده طرحی برای استخراج این میراث حدیثی تدوین کرده و امید دارد با یافتن پشتیبان مالی آن را عملی سازد.

مؤلف در صفحات پایانی آخرین جلد کتاب و پس از فهرست مطالب آن ملحقی به کتاب افزوده که حاوی احادیث امامان (ع) از کتاب مسند الفردوس دیلمی و احادیث دیگری است که بعد از

مؤلف بعد از ذکر این حدیث آورده است: «و رواه السیوطی فی اللآلی المصنوعة مثله». سپس با اختصاص شماره ای جدید، نقل دیگری از همین حدیث را با همان سند و اختلافاتی جزئی در متن از المناقب خوارزمی نقل کرده است. وی پس از این نقل چنین آورده:

أقول: هذا الخبر رواه شيخنا الصدوق (ص ۲۹۶، ح ۳۳۰) [كذا] حدثنا صالح بن عيسى العجلي، قال: حدثنا محمد بن علي بن علي، قال: حدثنا محمد بن مندة الأصبهاني، قال: حدثنا محمد بن حميد، قال حدثنا جرير، عن الأعمش، عن أبي سفیان، عن أنس وساق الخبر بنحوه. (همین کتاب، ج ۱، ص ۸۸-۹۰)

در این مورد نکاتی قابل ذکر است: نخست آنکه سند نقل ابن جوزی و خوارزمی جز در حلقه آغازین که به مشایخ بلاواسطه آن دو مربوط می شود کاملاً یکسان است و متن آن دو نیز جز در برخی جزئیات غیردخیل در معنی اختلافی ندارد. با توجه به قرائن سندی و متنی پرواضح است که این دو نقل مربوط به حدیث واحدی است. با وجود این روشن نشد که وجه نقل مجدد این حدیث و اختصاص شماره جدید به آن چیست. علی القاعده مؤلف بعد از نقل ابن جوزی باید به اینکه این حدیث در مناقب خوارزمی نیز ذکر شده اکتفا و از نقل مجدد متن خودداری می کرد، چنان که در مورد نقل حدیث در اللآلی المصنوعة سیوطی چنین کرده است.

دیگر آنکه وی در اشاره به نقل صدوق به عنوان کتابی که صدوق حدیث را در آن آورده هیچ اشاره ای نکرده و به ذکر شماره صفحه و حدیث بسنده کرده است. با جستجوی سند منقول از صدوق در منابع حدیثی در نرم افزار جامع الاحادیث، تنها به یک حدیث دست یافتیم که در امالی صدوق نقل شده و در عین حال که از نظر مضمونی با حدیث مورد نظر شباهت هایی دارد، دارای اختلافات متعددی نیز هست؛ اختلافاتی که در برداشت فقهی از حدیث کاملاً مؤثر و از قضا با برداشت مؤلف که در عنوان باب نمود یافته ناسازگار است. نقل صدوق به اختصار چنین است که انس گوید: در شبی تاریک با دو تن از اصحاب نزد رسول خدا (ص) بودیم که آن حضرت ما را به دنبال حضرت امیر (ع) فرستاد. پس از دق الباب، آن حضرت در حالی که ازاری از پشم بر کمروردایی همانند آن بردوش داشت از منزل خارج شد. به اتفاق نزد رسول خدا (ص) رفتیم. آن حضرت از ماجرای که شب گذشته رخ داده بود از علی (ع) پرسید. علی (ع) از روی حیا از بیان ماجرا امتناع فرمود و رسول خدا اصرار کرد. پس علی (ع) فرمود: دیشب غسل بر گردن داشتم، ولی آبی نیافتم. هاتفی ندا داد که بر خیز و این سطل را

و احياناً چه منابعی از نظر او پنهان مانده یاری رساند و زمینه را برای ارزیابی دقیق تر اثر از این حدیث فراهم کند. متأسفانه اکنون جز با استقصای صفحه به صفحه محتوای کتاب امکان چنین ارزیابی ای فراهم نیست. اشاره کردیم که مؤلف به تخمین، منابع مورد استفاده خود را بیش از چهار هزار منبع دانسته (همین کتاب، ج ۱، ص ۶) که رقمی غریب است. محتمل است این رقم شامل مجموع کتاب هایی باشد که در نرم افزارها و مکتبه های الکترونیک مورد استفاده مؤلف قرار گرفته است. شاهد این مدعا آن است که مؤلف در مقدمه به هنگام یادکرد از این نرم افزارها نرم افزار مکتبه اهل بیت را حاوی «صدها» عنوان از مصادر سنی محل بحث، مکتبه شامله را حاوی نزدیک به «دو هزار» عنوان، نرم افزار الفیه را مشتمل بر «هزاران» کتاب و کتابخانه الکترونیک موسوعة الحدیث را حاوی بیش از «هزار و سیصد» عنوان از این کتاب ها معرفی کرده است. اگر تخمین مؤلف بر این اساس بوده قاعدتاً می بایست عناوین تکراری در نرم افزارها از مجموع کتاب های موجود در آن کسر شود تا عدد دقیق تری از منابع به دست آید. به هر روی ارائه فهرست این منابع می توانست تخمین مؤلف را دقیق نماید و غبار تردید از چهره مدعی او بزداید.

۲-۴. به نظر می رسد مؤلف در نقل احادیث و تشخیص اتحاد یا دوگانگی احادیث مشابه راه تساهل در پیش گرفته و دقت لازم را به خرج نداده است. برای تبیین این مدعا یک مورد را گزارش می کنیم. مؤلف در ابواب المیاه از کتاب الطهارة بابی با عنوان حسن الاحتیاط بتجدید الطهارة عند الشک گشوده و در آن حدیثی از الموضوعات ابن جوزی نقل کرده است. مضمون حدیث با اختصار آن است که انس بن مالک گوید: روزی پیامبر (ص) در نماز عصر رکوع رکعت اول را به قدری طولانی کرد که گمان کردیم دچار سهو شده است. پس از نماز آن حضرت در میان نمازگزاران حضرت امیر (ع) را جستجو کرد و آن حضرت را در صف آخر نماز یافت و از علت تأخر آن حضرت از صف اول جو یا شد. آن حضرت در پاسخ رسول خدا (ص) عرضه داشت که قبل از نماز در طهارت خود شک کرده و در جستجوی آب برآمده است. در همان حال هاتفی از پشت سرش ندا داده و ایشان با سطل آبی از طلا که بر آن پارچه ای قرار داشت مواجه شده که نمی دانسته از کجا بوده است. رسول خدا (ص) فرمود: سطل از بهشت و آب و پارچه از فردوس اعلی بود. اسرافیل نیز زانوان مرا گرفته بود تا تو در نماز به من ملحق شوی. حال که خدا و فرشتگانش در آسمان تو را چنین دوست می دارند، هرگز کسی مرا در محبت تو ملامت نکند.

بگیر و غسل کن. به ناگاه سطلی پر از آب با پارچه‌ای از سندس دیدم. پس از غسل سطل و پارچه به آسمان رفت و در همان حال جرعه‌ای از آب آن ریخت و به من اصابت کرد، به گونه‌ای که سردی آن را بردلم حس کردم. رسول خدا (ص) فرمود: گوارایت باد که جبرئیل به تو خدمت می‌کند. آن آب از نهر کوثر و سطل و دستمال از بهشت بود. سپس سه بار فرمود: جبرئیل چنین خبر داد.^۶

ملاحظه می‌شود که نقل صدوق از نظر سند و متن تفاوت قابل ملاحظه‌ای با متن ابن جوزی و خواری می‌دارد. از نظر سندی متن صدوق تنها در حلقه آخر، یعنی انس بن مالک با سند ابن جوزی و خواری اشتراک دارد. از نظر متنی نیز داستان دو متن تفاوت‌های فاحشی دارد که واضح است. اساساً مورد نقل صدوق، شک در طهارت نیست و استحباب تحصیل طهارت به هنگام شک از آن استفاده نمی‌شود. معلوم نیست که چگونه نقل صدوق در کلام مؤلف همانند نقل خواری و متحد با آن شمرده شده و متن و سند یکسان ابن جوزی و خواری دو حدیث قلمداد گردیده است.

۳-۴. گاه عنوان باب با مفاد حدیثی که در آن آمده تناسب ندارد و گویا مؤلف دچار خطا در برداشت یا سبق قلم شده است. به عنوان نمونه وی بابتی را با عنوان «لزوم الأخذ برخص الله بعزائم» نامگذاری کرده و در آن دو نقل از حدیث مشهور نبوی آورده که فرمود:

إن الله يحب أن يؤخذ برخصه، كما يحب أن يؤخذ بعزائم، إن الله بعثني بالحنيفية السمحة دين إبراهيم.

طبعاً اینکه خداوند دوست دارد به رخصت‌هایش تمسک شود، دلالت بر وجوب اخذ به آنها ندارد. از دیگر سو می‌دانیم که اخذ به رخصت‌های الهی به اجماع فقها وجوب ندارد. اساساً در معنای رخصت، مفهوم عدم الزام و آزادی اختیار برای مکلف خوابیده است. با وجود این قول به «وجوب اخذ به رخصت» نوعی تناقض‌گویی است. البته ممکن است در مواردی، انطباق عنوانی ثانوی اخذ به رخصت را واجب کند که بحثی دیگر است. معلوم نیست مؤلف چگونه از این حدیث، وجوب اخذ به رخصت‌ها را استفاده کرده است. احتمالاً وی محبت اخذ به رخصت‌ها را بر وزن محبت اخذ به عزائم تفسیر کرده و تصور کرده است که همان‌طور که محبت اخذ به عزائم در لسان شارع با امر وجوبی جلوه‌گر شده است، محبت اخذ به رخصت‌ها نیز باید چنین باشد. حال آنکه چنان‌که اشاره کردیم، چنین برداشتی خلاف اجماع و ضرورت لغوی است و از این رو باید قائل به استحباب اخذ به رخصت‌ها گردید.

۴-۴. ملاحظه چهارم به نظام تبویب کتاب ناظر است. نام‌گذاری کتاب حکایت از آن دارد که مؤلف آن را به عنوان مستدرکی بوسائل الشیعة قلمداد کرده است. از این رو انتظار می‌رود کتاب او همچون مستدرک الوسائل محدث نوری در نظام تبویب از وسائل الشیعة تبعیت کند، ولی مقایسه تبویب این کتاب‌ها حکایت از تفاوت‌هایی دارد. این تفاوت‌ها در جدول زیر به خوبی نمایان است. در تنظیم این جدول به مهم‌ترین کتاب‌ها و ابواب سه اثر پیش‌گفته ناظر بوده‌ایم.^۷

جلد	وسائل الشیعة	مستدرک الوسائل	المستدرک الثانی
۱	مقدمة العبادات و الطهارة	مقدمة العبادات و الطهارة	العبادات و الطهارة
۲	الطهارة	الطهارة	الجنائز
۳	الصلاة	الصلاة	الصلاة

۶. الامالی للصدوق؛ تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش، ص ۲۲۶-۲۲۷.

۷. مشخصات منابع مورد استفاده در جدول چنین است: نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۲۸ جلد، قم، مؤسسة آل‌البيت (علیهم‌السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۸ق و حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة؛ به تصحیح و تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی؛ ۲۰ جلد، تهران، المکتبة الإسلامیة، ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ق.

۴	الصلاة	الصلاة	الصلاة
۵	الصلاة	الصلاة	الدعاء والأذکار
۶	الصلاة	الصلاة	القرآن الکریم
۷	الصوم	الزکاة	الزکاة
۸	الحج	الحج	الصوم
۹	الحج	الحج	الحج
۱۰	الحج	الحج	الجهاد
۱۱	الجهاد والأمر بالمعروف	الجهاد	الأمر بالمعروف والتقیة والإمامة
۱۲	التجارة	الجهاد	الفتن والملاحم
۱۳	التجارة	التجارة	المعاملات
۱۴	النکاح	النکاح	الإیمان والکفر
۱۵	النکاح	النکاح	المکارم والعشرة
۱۶	العتق والأطعمة والأشربة	التدبیر والأطعمة والأشربة	الأطعمة والألبسة
۱۷	الموارث والأشربة والأطعمة والأشربة والفرائض و الموارث	الموارث والأشربة والفرائض و الموارث والقضاء والشهادات	النکاح
۱۸	القضاء والشهادات	الحدود والقصاص والديات	أحكام الطلاق والأولاد والعدد
۱۹	القصاص والديات	خاتمه	الحدود والقصاص والديات
۲۰	خاتمه	خاتمه	العلم والرؤیا
۲۱	-----	خاتمه	الإرث وأحوال الخلق

ملاحظه می شود که در تبویب کتاب مورد بحث عناوینی به چشم می خورد که اساساً در وسائل الشیعه وجود ندارد یا احیاناً با عبارات متفاوت به چشم می آید. ابواب و کتاب های هم چون التقیه، الإمامة، الفتن والملاحم، الإیمان والکفر، العلم والرؤیا و أحوال الخلق، نه به عنوان کتاب مستقل و نه به عنوان مجموعه ای از ابواب مندرج در یک کتاب در وسائل وجود ندارد.

ممکن است وجه افزودن این کتب و ابواب به کتاب این باشد که مؤلف در پی استقصای احادیث ائمه (ع) بوده و به طور طبیعی برخی احادیث آن بزرگواران در منابع اهل سنت، غیر فقهی بوده و مؤلف بر اساس نظام تبویب وسائل الشیعه که چارچوب آن فقهی است، جایگاه مناسبی برای این احادیث نیافته و مجبور شده است که کتاب ها و ابواب جدیدی تأسیس نماید. در این صورت اشکال وارد بر او آن است که چرا کتاب خود را مستدرک وسائل خوانده است.

محتمل است وجه این نامگذاری تأکید بر ضرورت مراجعه فقها به کتاب او در مقام افتاء باشد و مؤلف خواسته است با این تسمیه، اهمیت تحقیق خود را متذکر گردد و پژوهشگران در فقه را بر مراجعه به کتاب تحریض و تشویق نماید، نه اینکه حقیقتاً کتاب خود را مستدرک وسائل بداند. دیدیم که او در پایان مقدمه بر این نکته تأکید ورزیده بود که هیچ فقیهی از مراجعه به کتاب او بی نیاز نیست.

نکته دیگر در این راستا، موضع قرار گرفتن ابواب و کتب جدید است. مثلاً معلوم نیست که مؤلف به چه اعتباری کتاب الإیمان والکفر را بین کتاب المعاملات و کتاب المکارم والعشرة قرار داده است. نیز روشن نیست که چرا کتاب العلم والرؤیا را بعد از کتاب الحدود والقصاص والديات قرار داده است. علی القاعده مباحثی همچون ایمان، کفر و علم می بایست در بخش های آغازین کتاب و قبل از ورود به مباحث فقهی

قرار می‌گرفت، چنان‌که در نظام تبویب کافی و نیز صحیح بخاری مشاهده می‌شود.

برخی ابواب و کتاب‌های وسائل نیز با تفاوت در عبارت در کتاب مورد بحث درج شده است که وجه آن روشن نیست. مثلاً کتاب الفرائض و الموارث و وسائل به کتاب الإرث و ابواب أحكام الملابس آن به الألبسة تغییر نام داده و در ضمن کتاب الأطعمه آمده است. نیز عنوان کتاب الجنائز در وسائل وجود ندارد و احکام مربوطه در کتاب الطهارة آمده است.

همچنین برای تغییر موضع برخی ابواب فقهی کتاب، نسبت به آنچه در وسائل شاهدیم، وجه خاصی به ذهن نمی‌رسد. انتقال کتاب الإرث به بعد از کتاب الدیات در آخرین جلد کتاب و نیز تقدم کتاب الأطعمه بر کتاب النکاح از این قبیل است. اصولاً بجا بود که مؤلف در مقدمه درباره نظام تبویب کتاب و تفاوت‌هایی که در آن ایجاد کرده در مقدمه توضیحاتی ارائه می‌کرد.

۴-۵. نکته قابل ذکر دیگر در این اثر اغلاط ادبی است که در مواضعی از جمله مقدمه، عناوین ابواب یا دیگر مواضع مشاهده می‌شود. مواردی از این اغلاط که به طور اتفاقی به آن برخورد کردیم در جدول زیر گزارش می‌شود:

ردیف	جلد	صفحه	خطا	صحیح
۱	۱	۶	الملاحظة الثانية	الملاحظة الثانية
۲	۱	۳۴۹	ابواب الغسل الحيض	ابواب غسل الحيض
۳	۱۱	۴۴	أن الخلاف عمر على النبي (ص)	أن خلاف عمر على النبي (ع)
۴	۱۱	۸۴	ما روی أن مع أبي بكر ملك عظیم	ما روی أن مع أبي بكر ملكا عظيما
۵	۲۱	۲۳۲	باب أن للعرش بطنان	باب أن للعرش بطنين
۶	۲۱	۲۴۲	باب أن للعرش فوق	باب أن للعرش فوقا

امید که مؤلف محترم با رفع این کاستی‌ها در چاپ‌های بعدی، اثری پیراسته‌تر عرضه کند و کار ارزشمند خود را با اصلاح این نواقص پراچ‌تر نماید.